

گفتگویی با:

استاد دکتر حسن یار رئیس دانشگاه کابل در مورد وضعیت تحصیلات عالی مشکلات و موانع آن در افغانستان

تهیه کنندگان: جواد علمی
صادق باقری

اشارة:

دکتر حسن یار رئیس فعلی دانشگاه کابل یکی از فرزندان افتخارآفرین هزارستان است که از میان فقر و موانع بزرگ اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه افغانستان، توانسته خود را تا بالاترین سطح تحصیلات علمی در دانشگاههای بزرگ جهان بالا بکشد. او تحصیلات ابتدایی را در محل تولدش (دایزنگی) و لیسه را در کابل به پایان رسانید، در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه زراعت کابل فارغ التحصیل شده است. یک سال را در دانشگاه امریکایی نیویورک و دیلم دکترا (P.H.D) را از دانشگاه ایالتی «کولورادو» اخذ کرده است. مدتی زیادی را در تحقیق و بازدید در تعدادی از دانشگاهها گذرانده است.

او در سفرهای خود به حدود ۳۰ کشور جهان در بیشتر از همین تعداد کنفرانسها و سمینارهای بین المللی شرکت کرده، مؤلف ۱۰ جلد کتاب درسی و بیش از یکصد اثر علمی و تحقیقی است که در مجله‌های معترض علمی امریکا، انگلستان، فرانسه، سویس، چکسلواکی، هند و... به چاپ رسیده است. او می‌گوید: تحقیقاتی درباره بازسازی زراعت افغانستان در دست اقدم دارد که به زودی به پایان خواهد رسید همکاران ما قبل از سقوط کابل به دست طالبان گفتگوی ذیل را با ایشان ترتیب دادند که من کامل آن از نظرتان می‌گذرد:



س) استاد! در ابتدا بفرمایید که تاریخچه تأسیس دانشگاه کابل به چه زمانی بر می‌گردد؟

ج) بسم الله الرحمن الرحيم، پوهنتون (دانشگاه) کابل در سال ۱۳۱۱ ه.ش مطابق با ۱۹۳۲ م با اولین هسته فاکولته (دانشکده) طب تأسیس شد بعد هم به تدریج فاکولته‌های دیگر مانند فاکولته حقوق و علوم سیاسی، فاکولته ادبیات، علوم (ساینس) و شرعیات، زراعت، اینженیری، تعلیم و تربیت، فارماسی، اقتصاد، ژورنالیزم، هنرهای زیبا، علوم اجتماعی، و ترنوی تأسیس شد و اکنون پوهنتون کابل دارای ۱۴ فاکولته می‌باشد.

س) افغانستان در مجموع دارای چند پوهنتون است و با همکاری کدام مؤسسات خارجی ساخته و اداره می‌شود؟ و چه نحو ارتباطی بین پوهنتون کابل و سایر پوهنتونهای کشور وجود دارد؟

ج) در افغانستان یک پوهنتون مادر است که در کتاب سبز مسکو راجستر شده و عضویت سازمان بین‌المللی دانشگاه‌ها را کسب کرده و دیپلم آن از اعتبار بین‌المللی برخوردار است. اما پوهنتونهای جوان دیگری هم وجود دارد که عبارتند از: پوهنتون

هرات، بلخ، ننگرهار، پلی تختنیک و نیز پوهنتونهای دیگری که در دوران جهاد تأسیس شده و بیشتر پوهنتونهای تنظیمی هستند فعلاً کوشش در جریان است که پوهنتونهای تنظیمی هم مربوط دولت شود که یک سری اصلاحات هم در جریان است. پوهنتون کابل در سابق با پوهنتون کلمبیای آمریکا، پوهنتون وایومینگ آمریکا، پوهنتون نبراسکای آمریکا و همچنین با پوهنتونهای «بو خم» و «کلن» و «بن» در آلمان و پوهنتون لیون در فرانسه، پوهنتون «الازهر» در مصر، دانشگاه تهران و دانشگاه آمریکایی بیروت و پوهنتونهای دیگری قراردادهای توأمیت داشته که از این طریق سامان و مواد و کمکهای زیادی به پوهنتون کابل صورت گرفت و همچنین سازمان ملل متحد مخصوصاً «F.E.O» و «H.H.O» هم در گذشته در کابل کمکهای زیادی کرد. پوهنتون کابل به حیث پوهنتون مادر با پوهنتونهای ننگرهار، بلخ و هرات در گذشته از قبیل فرستادن استادان مجروب و تهیه کتب و موادر درسی کمکهای زیادی کرده و در آینده حاضر است با پوهنتونهای جوان مخصوصاً در بازسازی آنها کمک بکند.

س) وضعیت تحصیلی از نظر کیفیت و کمیت در دورانهای قبل از کودتای ۷ ثور و بعد از آن و نیز بعد از بازگشایی مجدد را بیان بفرمایید؟

ج) پوهنتون کابل از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۵۷ (یعنی قبل از کودتا) هم از نظر تحقیقات علمی و هم از نظر استادان ورزیده و هم از نظر نشریات و کتابخانه یکی از جمله ده پوهنتون طراز اول در منطقه محسوب می شد. ولی با استقرار نظام کمونیستی تعداد زیادی از استادان که دارای تحصیلات بسیار بالا بودند کشور را ترک کردند که امروز در اروپا و آمریکا زندگی می کنند و امکان عودت آنها بسیار کم است. در دوران کمونیستهای تدریج کیفیت تعلیم و تربیت پایین آمد البته از نظر کمیت خوب بود. در زمان حکومت مجاهدین بر اثر جنگهایی که در کابل صورت گرفت به مدت سه سال دانشگاه بسته شد و به هنگام بازگشایی مجدد همه چیز در اینجا از صفر شروع شد یعنی وقتی در سال ۱۳۷۴ پوهنتون بازگشایی شد هیچ چیز در پوهنتون وجود نداشت. در ابتدا زیر سایه درختان و روی زمین کلاسهای درسی دایر می شد ولی به فضل خدا و کمک دولت، کمکهای مردمی و کمکهای بعضی مؤسسات بین المللی باعث شد که امروز پوهنتون کابل در شهر کابل به حیث یک نمونه عرض اندام نماید. اما در مجموع کیفیت و کمیت تعلیم و تربیه پایین است به خاطر این که مالابراتوارهای مجهز نداریم، استادان ورزیده نداریم. کتب

و مواد درسی نداریم چرا که سه رکن اساسی تعلیم و تربیه را استادان ورزیده به حیث عرضه کنندگان علم، محصلان و روزنده به حیث گیرنندگان علم و سامان و لابراتوار و کتب و مادر درسی به حیث عرضه کننده وسائل تعلیمی تشکیل می دهد، و مناسفانه در پوهنتون کابل فعلاً کم است، محصلانی که از مکاتب می آیند بسیار ضعیف هستند. استادان اکثریت شان لیسانس هستند، تعداد استادان دکترا و «پی، اچ، دی» کم است.

س) بفرمایید که پوهنتون چه مدت و به چه علت تعطیل بوده
و در مدت تعطیلی چه آسیبها بی به آن وارد شده است؟

ج) دانشگاه کابل در اثر جنگهای تنظیمی ای که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ به شدت جریان داشت بسته شد^۱ به عبارت دیگر دانشگاه در خط مقدم جبهه جنگ قرار داشت و در این مدت مهاجر بود از این گوشش شهر به آن گوشش شهر، از این مسجد به آن مسجد و از این تکیه خانه به آن تکیه خانه و به حیث یک دانشگاه مهاجر همیشه در گردش بود. در قسمت خسارات باید عرض کنم که یکی خسارات مادی است و یکی خسارات معنوی. خسارات معنوی مثل از بین رفتن گالری دانشکده، هنرهای زیبا، از بین رفتن بهترین نسخه های خطی طلا یی کتابخانه دانشگاه، از بین رفتن موزیم است که نمی توانیم ارزش این خسارات را به پول تعیین کنیم. ولی در قسمت مادی برآوردهای اولیه نشان می دهد که در حدود پنجاه میلیون دلار خسارت وارد شده در گذشته جنگ سرد و رقابت قدرتها منافع زیادی از یونسکو و کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، آلمان و انگلستان نصیب دانشگاه کرد. در یک گوشش از دانشگاه کابل فرانسویها کار می کردند و در گوشش دیگر آمریکاییها و در یک قسمت هم شورویها، و تعداد زیادی از دانشجویان ما در آمریکا، فرانسه و آلمان و ... تحصیلات عالی کردنند.

۱. آقای ساعی یک عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در این رابطه توضیح ذیل را ارائه ندادند:

در سال ۱۳۷۲ رئیس و استادان دانشگاه کابل از حزب وحدت اسلامی تقاضا نموده که ایشان را در بازگشایی دانشگاه کابل پاری رساند، موضوع درخواست در جلسه شورای مرکزی مطرح گردید و تصویب به عمل آمد که آقایان داکتر سلطانی و سجادی از شورای عالی نظارت و محمد ندیم ساعی از شورای مرکزی از جانب حزب وحدت اسلامی با گمیسون که جهت بازگشایی دانشگاه، از استادی و رئیس دانشگاه کابل تشکیل شده، است مذاکره نموده و هرجه عاجل به بازگشایی دانشگاه اقدام شود. اولین جلسه با حضور استاد شهید در دارالاشراف شهید موقوفت خود را اعلام نمود. صورت گرفت که استاد شهید در مورد بازگشایی دانشگاه موافقت خود را اعلام نمود.

س) بازگشایی و افتتاح مجدد پوهنتون کابل چگونه بوده؟ آیا کدام جریان سیاسی، جهادی و خارجی هم دخالت داشته است؟

ج) بازگشایی دانشگاه کابل به ابتکار هیأت رهبری پوهنتون و تک تک استادان و منسوبین صورت گرفت. پوهنتون کابل برای بازگشایی مجدد دو طرح داشت. طرح اول که طرح عاجل یاد می کردیم عبارت از بازگشایی پوهنتون و جمع کردن نسل سرگردان کوچه ها و پس کوچه ها (و آنها باید از بیکاری جذب پوسته های نظامی تنظیمها شده بود) به کلاسهای درسی بود. چنانکه در ابتداطوری که عرض کردم شاگردان در سایه درختان و کلاسهای بدون چوکی دروس خود را شروع کردند. اما در قسمت همکاری سازمانهای سیاسی سازمانهای سیاسی نهاده سازمانهای سیاسی نه تنها با پوهنتون کابل همکاری نکردند بلکه سنگ اندازی هم کردند و تنها استاد ربانی به حیث استاد سابقه دار پوهنتون کابل در امر بازگشایی و کمک برای بازسازی و بازگشایی پوهنتون کمکهای زیادی انجام داده ولی هیچ ارگان و تنظیم سیاسی به پوهنتون کابل کمک نکرده پالیسی رهبری پوهنتون هم بر این بوده که پوهنتون را به حیث یک کانون علمی مستقل و مجزا از سیاستهای تنظیمی نگاه بدارد. چون ما به این عقیده هستیم که اگر دستهای تنظیمهای سیاسی در دانشگاه دراز شود همان فاجعه هایی که در جاده های کابل تکرار شد در کلاسهای درسی تکرار خواهد شد. اگر چه در این اوآخر فشارهای زیاد از طرف یک تعداد تنظیمهای بالای پوهنتون هست که البته در برابر این فشارهای مقاومت بسیار شدید از طرف رهبری و استادان پوهنتون وجود دارد.

س) شرایط و وضعیت و مشکلات فعلی پوهنتون را بفرمایید که از چه قرار است؟

ج) چنانکه عرض کردم در بازگشایی دو طرح داشتیم، یکی طرح عاجل و دیگر طرح دراز مدت. طرح عاجل هدفش بازگشایی پوهنتون و آوردن محصلین به کلاسهای درسی بود. طرح دراز مدت ما عبارت از طرح اکشاف پوهنتون و بالا بردن سویه علمی دو پوهنتون و طرحی است که پوهنتون کابل در تمدن قرن بیست و یک شریک شود. شما آگاهی دارید که ما در آستانه قرن ۲۱ قرار داریم و جهان ما جهان ساینس و تکنولوژی است. وقتی می توانیم در تمدن جهانی شریک شویم که پوهنتون ما از سطح والای کیفیت علمی برخوردار باشد در این زمینه فعلاً مشکلاتی که داریم یکی کمبود استادانی داری

تحصیلات عالی است. و دوم سامان و لایراتواری که ما باید برای تحقیقات و کارهای عملی داشته باشیم و مشکل سوم ماکتابخانه و نشرات است در گذشته، پوهنتون کابل یک مطبوعه بسیار مجهز داشت که تمام کتب و جزوای در اینجا چاپ می شد. مشکل عمده دیگری که ما داریم این است که پوهنتون با مشکلات سیاسی مواجه است. رقابت‌های زیادی بین تنظیمهای وجود دارد که این مشکل سیاسی نسبت به مشکل تخنیکی بزرگتر و خطرناکتر است در عین زمان رهبری پوهنتون زمینه کمکهای بین‌المللی را از طریق عقد قراردادهای توأمیت با کشورهایی که در گذشته قرارداد داشته مساعد ساخته و به مجرد این که صلح و امنیت بازگردد و یک حکومتی که دارای قاعده‌های وسیع اجتماعی باشد و تمام اقوام و ملت‌های افغانستان در آن حکومت حضور داشته باشند و حکومت، حکومت مردم باشد، حکومت یک قبیله نباشد، یک قوم، یک مذهب، یک سمت نباشد و جهان هم متقادع شود که این حکومت نمایندگی از ملت افغانستان می‌کند. انشاء الله در آن وقت کمکهای زیادی از طرف مؤسسات بین‌المللی و کشورهای دوست شروع خواهد شد.

س) روش شامل شدن و پذیرش دانشجو چگونه است؟

ج) قسمی که به شما معلوم است در تمام دانشگاههای جهان اصل اساسی شمول در پوهنتونها گذراندن امتحان کنکور است، در پوهنتون کابل هم از سال ۱۳۴۲ به این طرف از شرایط اول شمول در دانشگاه گذراندن امتحان کنکور بوده، طی دو سال گذشته هم دانشجویانی که وارد دانشگاه شده‌اند امتحان کنکور را گذرانده‌اند! اما بعضًا از طریق بعضی تنظیمهای از طریق فشار آنها که وجود داشته یک تعداد دانشجویان بدون امتحان کنکور داخل شده که من شخصاً مخالف این امر بوده و هستم. چون من به این نظر هستم که در شمول دانشگاهها باید واقعیت‌های علمی و مقرراتی که وجود دارد رعایت شود.

س) چه تعداد افراد بدون کنکور وارد پوهنتون شده‌اند؟

ج) تعدادشان کم است. در دانشگاه کابل بر اثر مقاومت رهبریت دانشگاه در هر سال از بیست نفر تجاوز نمی‌کرد اما در دانشگاههای دیگر زیاد است.

س) کدام جناحها فشار بیشتری بر دانشگاه کابل وارد می‌کند تا دانشگاه کابل را جناحی بسازد؟

ج) در این قسمت من به صورت مشخص نام نمی‌برم برای این که در این شرایط

نمی خواهیم با یک تنظیمی رویرو شویم ولی هستند تنظیمها باید زیاد بالای دانشگاه کابل وارد می کنند تا این که سلسله تنظیمی پیدا کنند مثلاً رئیس دانشگاه از آنها باشد. استادان از آنها باشد تا بتوانند اهداف خود را آزادانه در این جا تبلیغ کنند. در یکی دو ماه اخیر هم این فشارها بیشتر شده ولي به صورت مشخص نام تنظیمها را نمی برم.

س) در مقابل این فشارهای سیاسی چه اشخاص و گروههایی از شما حمایت می کنند؟

ج) تعداد زیادی افراد از داخل تنظیمها از ما حمایت می کنند. به شمول استاد ربانی که طرفدار استقلال دانشگاهها از بازیهای سیاسی است. و هم یک عدد از روشنفکران در داخل تنظیمهایا.

س) امکانات آموزشی، مواد درسی در پوهنتون کابل در چه حد است؟ و این امکانات از چه طریقی تأمین می شود.

ج) در سال ۷۴ با امکانات صفر شروع کردیم ولی خوشبختانه در سال ۱۳۷۵ از نظر امکانات نسبت به ۷۴ بسیار فرق دارد و دروس منظم تر است.

نتایج سمپوزیوم (ترم) اول توان داد که درس بهتر بوده، علاقه شاگردان هم زیاد شده دانشگاهی که ۶۵ سال از عمر آن می گذرد، امروز همه چیز را از دست داده و نیاز به زمان دارد تا مدرن و مجدهز شود، بعضی سامان و موادی که در اختیار داریم بسیار کهنه شده و در شرایط کنونی به درد مانع خورند. امیدواریم بتوانیم کمکهای سازمانهای بین المللی و کشورهای خارجی را جلب کنیم. و به این عقیده هستیم که با پول دولت افغانستان نمی شود دانشگاه کابل را بازسازی کرد. طوری که بتوانیم آن را در آستانه قرن ۲۱ قرار بدهیم.

س) امکانات موجوده بعد از بازسازی از کجا و از چه طریقی تأمین شد؟

ج) زیادتر از طریق دولت اسلامی افغانستان و همچنین از طریق یک عدد از کشورها و مؤسسات بین المللی مثلاً در قسمت اهدای کتب و یک تعداد صندلیها از طرف جمهوری اسلامی ایران کمک شد.

تعداد زیادی کتاب از طرف مرکز فرهنگی آمریکا در پیشاور، یک تعداد کتاب هم از طرف کتابفروشان شهر کابل بدست مارسید.

س) چند درصد از پوهنتون کابل بازسازی و بازگشایی شده
و کدام دانشکده‌ها فعال می‌باشد؟

ج) ۷۵٪ پوهنتون کابل بازسازی شده و تمامی فاکرلتنهایکه تعدادشان به ۱۴ می‌رسد همگی فعالند.

س) اعضای هیأت علمی به چه تعداد می‌رسد همچنین تعداد
پرسنل اداری و مأمورین پوهنتون؟

ج) در حال حاضر مادر حدود ۲۶۰ استاد داریم، که از این جمله در حدود ۵۰ استاد ما دکترا می‌باشند حدود ۱۰۰ استاد ما ماستر می‌باشند و متباقی لیسانسیه هستند و در مجموع تمام پرسنل پوهنتون کابل به سه هزار نفر می‌رسد.

س) احصاییهای اگر از تعداد محصلین وجود دارد بفرمایید در ضمن چه درصد از آنها در رشته‌های علوم انسانی، طب و امور تختنیکی مشغول به تحصیل هستند؟

ج) در سال تحصیلی ۱۳۷۵ در حدود ده هزار محصل ثبت نام کرده و از جمله این ده هزار محصل در امتحانات سمیتر اول سال تحصیلی ۱۳۷۵ در حدود ۷ هزار شامل امتحان شده که از جمله آنها در حدود ۲۵ فی صد دختران و مابقی پسران هستند در مجموع محصلین که در فاکولته‌های طب، اینجینیری و حقوق و ادبیات می‌باشند تعدادشان بسیار زیاد است که در این صورت گفته می‌توانیم در مجموع تعداد محصلین پوهنتونی‌های ساینس بیشتر از علوم اجتماعی است.

س) آیا در پوهنتون کابل درصد دانشجویان ذکور و اناث مشخص شده است؟

ج) در زمان رژیم سابق ۶۰٪ محصلان دانشگاه کابل را دختران تشکیل می‌دادند، علت آن این بود که تعداد زیادی پسران یا در جبهه‌های جنگ می‌رفتند و یا مهاجر می‌شدند ولی طی دو سال اخیر تعداد دانشجویان دختر کاهش یافته که تقریباً در حدود ۲۵ فی صد

س) آیا از نظر درصد پذیرش و سطح نمرات تفاوتی بین دختران و پسران وجود دارد؟

ج) هیچ تفاوتی از نظر پذیرش وجود ندارد چنانچه طی دو سال اخیر اول نمره‌های امتحان کنکور دختران بودند.

س) معاش اعضای هیأت علمی (با توجه به رتبه علمی آنان) و کارکنان اداری فعلاً در ماه چند است؟

ج) معاش استادان پوهنتون کابل با در نظر داشت توزمی که وجود دارد بسیار پایین است گرچه در طی سه سال اخیر معاش کادر علمی خیلی زیاد شده (متلاً در سال ۱۳۷۱ معاش یک پوهانه (پروفسور) هشت هزار افغانی بود و فعلاً چهارصد هزار افغانی است) اما نظر به توزمی که وجود دارد بسیار ناچیز است. در حالی که قیمت یک برجی آرد ۴ اسیره (۱۰۱ کیلویی) ۳۶۵ هزار افغانی است قیمت یک قوطی روغن ۳۰۰ هزار افغانی، قیمت یک کیلو چای ۰۰ هزار افغانی، و قیمت یک کیلو گرشت ۲۵ هزار افغانی، درآمد ماهانه یک پروفسور بسیار ناچیز است. و نمی‌تراند نیازمندیهای یک استاد را برآورده بسازد به همین خاطر تعداد زیادی از استادان ما دوپیشه و حتی چندپیشه شده‌اند و کارهای شخصی می‌کنند یا با تجار کار می‌کنند یا در مؤسسات بین‌المللی کار می‌کنند که این یکی از عوامل پایین آمدن کیفیت تعلیم و تربیت به شمار می‌رود چون یک استاد باید تمام وقت مصروف تحقیق و تدریس و تهیه مداد و نوشتن کتاب و تألیف و ترجمه باشد.

س) برای بالارفتن سطح علمی دانشگاه کابل فعلاً چه پلانی دارید تا کسری معاش اساتید را جبران کنید؟

ج) این مسئله از قدرت ریاست دانشگاه یا رهبری دانشگاه خارج است وظیفه حکومت است تا یک سیاست پولی درست را روی دست بگیرد و از توزم جلوگیری کند، قیمتها را پایین بیاورد چون اگر معاش استادان بلند برود قیمت مواد غذایی دوچندان بالا می‌رود.

با در نظر داشتن بالارفتن هر روزه قیمت اجنباس بالا بردن معاش استادان هیچ فایده‌ای ندارد وظیفه حکومت است که در شرایط فعلی اول امنیت و صلح را به کشور

بازگرداند و دوم مشکل اقتصادی مردم را حل کند.

س) آیا وام و کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان تعلق
می‌گیرد؟ آیا پوہنچون ارائه سلف سرویس به لیلیه و روزانه به
دانشجویان دارد؟ وضع سرویس رفت و آمد دانشجویان
چگونه است؟

ج) در دانشگاه کابل تحصیلات مجانی است. فیس، وام و قرضه وجود ندارد تمام
محصلین که امتحان کنکور را موفقانه بگذرانند و شامل دانشگاه شوند تمام خدماتی که
عرضه می‌شود مجانی است. لیلیه برای آن عده از محصلانی است که لیسه‌ها را در اطراف
(غیر از شهر کابل خوانده باشند) همچنین برای دانشجویان یک مقدار پول به نام «جیب
خرج» داده می‌شود که کرایه سرویس‌شان شود و همچنین بتوانند کتاب و قلم بخرند، در
این مورد فعلاً بزرگترین مشکلی که داریم لیلیه است به خاطر این که در گذشته تعداد
محصلینی که در لیلیه بودند از ۱۸۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد، اما فعلاً سه هزار محصل، بسیار
مشکل است، در قسمت ترانسپورتیشن ۱۲ خط سیر برای محصلان سرویس‌های شهری
تنظیم شده که ساعت ۸ بجه این سرویسها محصلان را به دانشگاه می‌آورند و ساعت
۲ بجه پس می‌برند. البته دانشجویان یک مقدار پول می‌دهند که بسیار ناقیز است.

س) پول اعانه دانشجویان چه مبلغ است؟

ج) هشت هزار افغانی در ماه

س) در صورت امکان اگر مقایسه‌ای بین پوہنچون کابل و سایر
پوہنچونهای افغانستان از نظر کیفیت تحصیلی و کمیت
تحصیلی و مشکلات آموزشی بیان فرماید؟

ج) در این ارتباط پوہنچون کابل با سایر پوہنچونهای افغانستان قابل مقایسه نیست
چراکه پوہنچون کابل دارای سابقه ۶۵ سال و با داشتن کادر علمی بسیار قوی از نظر
کیفیت در سطح بالایی قرار دارد اکنون هم اگر استادان کابل در سمتگاههای بلخ
و ننگرهار نباشند آنها نمی‌توانند روی پای خود بایستند چنان که در سمتگاههای
پنج استاد از دانشگاه کابل به پوہنچون تخار فرستادیم. نصاب تعلیمی، دبارتمتتها و نظام
قدیم اداری را در آنجا برقرار سازند چون سال اولشان است در سمت دوم هم در همین
روزها یک تعداد استادان مابه آنجا می‌روند رئیس دانشگاه تخار از شخص من هم

دعت کرده که در آینده به آنجا خواهم رفت.

امیدواریم دانشگاه کابل به حیث دانشگاه ما در بعد از خاتمه جنگ دوباره مقام علمی گذشته خود را کسب کند.

س) اعتبار مدارک فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های سراسر افغانستان و خصوصاً کابل در قبل و بعد از افتتاح مجدد آن به چه صورت و سویه بوده و هست؟

(ج) پوهنتون کابل مقام علمی خود را در سطح جهان کسب نموده و طی دو سال اخیر یک تعداد زیادی از استادان ما در کنفرانسها و سمینارها اشتراک کرده، همچنین هیأت‌های علمی از اروپا و آمریکا برای بازدید از دانشگاه کابل آمده و فعلاً دانشگاه کابل مقام علمی و اکادمیک خود را دوباره در سطح جهان کسب نموده علاوه بر این برای تحسین بار به عضویت سازمان بین‌المللی دانشگاه‌ها درآمده که مقر آن در اسکاتلند آمریکا است و بر این اساس پوهنتون کابل از نقطه نظر معیارهای آکادمیک و علمی یک پوهنتون شناخته شده در سطح جهان است ولی پوهنتونهای دیگر افغانستان هنوز هم در سطح جهان شناخته نشده پس از آنها تازه تأسیس هستند که امیدواریم در آینده آنها هم بتوانند مقام علمی خود را به سویه بین‌المللی کسب کنند.

س) پوهنتون کابل در شرایط فعلی از کمکهای مادی و معنوی کدام مؤسسات بین‌المللی و کشورهای خارجی برخوردار است؟

(ج) در شرایط کنونی در بازسازی دانشگاه کابل اشخاص انفرادی خود افغانستان زیاد سهم گرفتند خود دولت اسلامی افغانستان در این جا کمکهای عمده را کرده، بعضی سازمانهای اینجو (یا غیر حکومی) به سهم خود کمکهایی را در بازسازی مانند حفر چاهها و تعمیرات پوهنتون و تأمین شیشه‌ها به خصوص شبکه آبرسانی انجام داده‌اند.

س) آیا پوهنتون کابل برنامه اعزام دانشجو به خارج دارد؟ اگر دارد به کدام کشورها و به چه تعداد؟

(ج) در سال جاری یک تعداد بورسیهای تحصیلی از کشورهای: بنگلادش، اندونزی، بانک اسلامی و بعضی کشورهای اروپایی و ترکیه مواصلت کرده و دانشجویان هم

معرفی شده اما هنوز نرفته‌اند. همچنین مایک قرارداد توأمیت با دانشگاه تهران داشتیم که براساس آن باید هر سال شش نفر کاندیداً می‌رفتند. و بورسیه می‌شدند که متأسفانه این پروتکل تا امروز در عمل پیاده نشده و ما این موضوع را به آقای مرتضی سرمدی یادآوری کردیم که ما اشد ضرورت به بورس‌های تحصیلی داریم مخصوصاً در رشته ادبیات و حقوق و علوم اجتماعی، خدا کند که اینها بر طبق پروتکل امضا شده بین دو دانشگاه عمل کنند.

س) آیا شما دانشجوی بورسیه از خارج در دانشگاه کابل قبل از پذیرفتید؟ آیا اکنون کدام دانشجوی خارجی در اینجا تحصیل می‌کند؟

ج) فعلاً ما اصلاً دانشجوی خارجی نداریم ولی قبل از سال ۱۳۵۷ مادر حدود دو صد و شصت دانشجوی خارجی از کشورهایی مثل ایران، عراق، آمریکا، کانادا، استرالیا و کشورهای دیگر مخصوصاً از فلسطین که زیادتر بود محصل خارجی داشتیم ولی فعلاً نظر به شرایط، محصل خارجی نداریم ولی در صورتی که فضای سیاسی و صلح خوب شود ما دوباره محصلین خارجی را می‌پذیریم.

س) آیا پوهنتون کابل در گذشته و حال علاوه بر دوره لیسانس دوره‌های فوق لیسانس و دکترا نیز داشته و دارد؟

ج) پوهنتون کابل در دو رشته از سابق برنامه ماستری داشت و فعلاً هم دارد یکی دپارتمنت و دری و دیگری پشت‌ولی در رشته‌های دیگر نداریم اگر چه در دوران کمونیستها پروگرام ماستری و داکتری شروع شده بود اما آن پروگرام زیادتر شکل نمایشی-تبليغاتی و سیاسی داشت تا شکل علمی. وقتی ما دوباره بررسی کردیم پروگرامهای ماستری و دکترا را در دیگر رشته‌های غریب کردیم.

س) آیا پوهنتون کابل استاد خارجی را هم در استخدام خود داشته و دارد؟

ج) قبل از کودتای سال ۱۳۵۷ در هر فاکولته به تعداد دو، سه یا چهار نفر استادان خارجی وجود داشت چون هر فاکولته با یک دانشگاه خارجی قرارداد توأمیت داشت مثلاً فاکولته‌های زراعت اینженیری و تعلیم و تربیه با دانشگاه‌های آمریکا قرارداد

توأمیت داشت و بر این اساس استادان آمریکایی در این سه فاکولته تدریس می‌کردند. فاکولته طب، حقوق و علوم سیاسی و فارماسی (داروسازی) با پوهنتون لیون فرانسه قرارداد توأمیت داشتند. فاکولته‌های اقتصاد و علوم با آلمان، فاکولته دامپزشکی و زراعت با (F.E.O) یا سازمان خوارکی و زراعت جهان که متخصصین یونسکو در اینجا تدریس می‌کردند اماً فعلًاً ما کدام استاد خارجی نداریم تنها در دپارتمان فرانسوی در این ترم بک استاد فرانسوی آمده و مضمون فرانسوی را تدریس می‌کند.

س) در قسمت جذب اساتید افغانی مهاجر در خارج برای پوهنتون کابل چه برنامه‌ای دارید و آیا پس از بازگشایی مجدد کدام استاد مهاجر برای همکاری با شما اعلام همکاری کرده‌اند و آمده‌اند؟

ج) ما چندین فراخوان برای استادان مقیم اروپا و آمریکا فرستاده از تمامی آنها خواسته‌ایم که به افغانستان برگردند و در بازسازی دانشگاه کابل و همچنین برای تدریس به ما کمک کنند ولی آنها فعلًاً چند مشکل دارند که شاید به افغانستان نیایند. آنها فعلًاً در آمریکا مقیم شده و از تمامی امکانات رفاهی و مزایا برخوردارند. فرزندانشان در آمریکا درس می‌خوانند و اکثرًا با فرهنگ آمریکایی آشنا شده و زبان دری یا پشتو را نمی‌فهمند و اگر خودشان بیایند فرزندان آنها نمی‌آینند چون اگر یک طفلشان هفت ساله بود حالا ۲۱ ساله شده و اگر در آنجا متولد شده حالا ۱۴ ساله شده با تماسهایی که من دارم یک تعداد بسیار ناچیز در صورتی که در اینجا صلح و امنیت برگردد و شرایط اجتماعی خوب شود شاید برگردد اما در ارتباط با اروپا شناس برگشتن آنها زیادتر است.

چنان که طی دو سال گذشته تعداد زیادی از استادان ماموقتاً آمدند اما وقتی که اوضاع را دیدند برگشتند و دیگر اینجا نیامدند ما حتی از آنها دعوت کردیم که بیایند و برای یک ترم تدریس کنند. اگر شرایط کنونی ادامه پیدا کند من به این فکر هستم که اگر بتوانیم همین استادان موجود را حفظ کنیم کار بزرگی است اگر فشارهای سیاسی از طرف تنظیمهای بیشتر شود و پوهنتون تنظیمی شود شاید استادان موجود را هم از دست بدھیم. شناس آمدن استادان از کشورهای منطقه زیادتر است چون فرهنگ و کلتور اولادهایشان هم تغییر نکرده، مخصوصاً در ایران، پاکستان و هند چون فرهنگ نزدیک به فرهنگ مردم افغانستان دارند. و این امر وقتی میسر است که دولت یک برنامه خاص برای استادان روی دست بگیرند. تعداد زیادی از استادان ماسرپناه ندارند. مثلاً من که یک پوهانه

توأمیت داشت و بر این اساس استادان آمریکایی در این سه فاکولته تدریس می‌کردند.
فاکولته طب، حقوق و علوم سیاسی و فارمی (داروسازی) با پو هنون بیون فرانسه
قرارداد توأمیت داشتند. فاکولته‌های اقتصاد و علوم با آلمان، فاکولته دامپزشکی و زراعت
با (F.E.O) یا سازمان خوارکی و زراعت جهان که متخصصین یونیورسیتی در اینجا تدریس
می‌کردند اما کدام استاد خارجی نداریم تنها در دپارتمان فرانسوی در این ترم یک
استاد فرانسوی آمده و مضمون فرانسوی را تدریس می‌کند.

س) در قسمت جذب اساتید افغانی مهاجر در خارج برای
پو هنون کابل چه برنامه‌ای دارید و آیا پس از بازگشایی مجدد
کدام استاد مهاجر برای همکاری با شما اعلام همکاری
کرده‌اند و آمده‌اند؟

ج) ما چندین فراغوان برای استادان مقیم اروپا و آمریکا فرستاده از تمامی آنها
خواسته‌ایم که به افغانستان برگردند و در بازسازی دانشگاه کابل و همچنین برای تدریس
به ما کمک کنند ولی آنها فعلًا چند مشکل دارند که شاید به افغانستان نیایند. آنها فعلًا در
آمریکا مقیم شده و از تمامی امکانات رفاهی و مزایا برخوردارند. فرزندانشان در آمریکا
درس می‌خوانند و اکثر آبا فرهنگ آمریکایی آشنایی دارند و زبان دری یا پشتورانی فهمند
و اگر خودشان بیایند فرزندان آنها نمی‌آیند چون اگر یک طفلشان هفت ساله بود حالا
۲۱ ساله شده و اگر در آنجا متولد شده حلا ۱۴ ساله شده با تماسهایی که من دارم یک تعداد
بسیار ناقیز در صورتی که در اینجا اصلاح و امنیت برگردد و شرایط اجتماعی خوب شود
شاید برگردند اما در ارتباط با اروپا شناس برگشتن آنها زیادتر است.

چنان که طی دو سال گذشته تعداد زیادی از استادان ما موقتاً آمدند اما وقتی که اوضاع
را دیدند برگشتد و دیگر اینجا نیامدند ماختی از آنها دعوت کردیم که بیایند و برای یک
ترم تدریس کنند. اگر شرایط کنونی ادامه پیدا کند من به این فکر هستم که اگر بتوانیم
همین استادان موجود را حفظ کنیم کار بزرگی است اگر فشارهای سیاسی از طرف
تنظیمها بیشتر شود و پو هنون تنظیمی شود شاید استادان موجود را هم از دست بدھیم.
شانس آمدن استادان از کشورهای منطقه زیادتر است چون فرهنگ و کلتور اولادهایشان
هم تغییر نکرده. مخصوصاً در ایران، پاکستان و هند چون فرهنگ نزدیک به فرهنگ مردم
افغانستان دارند. و این امر وقتی میسر است که دولت یک برنامه خاص برای استادان روی
دست بگیرند. تعداد زیادی از استادان ما سرپناه ندارند. مثلًا من که یک پوهانه

(پروفسور) هستم یک داکتر هستم و به سویه بین‌المللی نشرات دارم، معاش من در ماه بیست دالر است، یک افغانی که در آمریکا کار می‌کند ماهانه نهصد دالر درآمد دارد، حال آن استاد دیوانه نیست که ۹۰۰ دالر را بگذارد و باید برای ۲۰ دالر با آن که شرایط هم شرایط بسیار سخت و دشوار است. استادانی که فعلاً در اینجا زندگی می‌کنند خون خود را در کف دست گرفته و برای مردم افغانستان کار می‌کنند.

س) به غارت رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی دانشگاه کابل غرض سیاسی داشته یا اینکه خودسری یک عده افراد ناآگاه و جاهم بوده است؟

ج) به غارت رفتن میراث فرهنگی افغانستان هم جنبه ناآگاهانه داشته و هم جنبه‌های پلان شده، پوهنتون کابل یک پوهنتون بسیار قوی در سطح منطقه و جهان است و بعضی از دانشگاهها به نام مردم افغانستان در کشورهای همسایه ایجاد شد که هدف ایجاد این دانشگاهها از بین بردن و ضعیف کردن دانشگاه کابل بود. از طرفی بعضی سامان و موادی که در دانشگاه کابل بود حتی در کشورهای همسایه وجود نداشت، البته تعدادی مردان مسلح و غیر مسلح و غیر فرهنگی یک تعداد سامان و مواد دانشگاه را تاراج کردند. ما توانستیم کتابهای پوهنتون کابل را از بازار بسیار به قیمت ارزان بخریم. کتابهایی را ما خریدیم که اگر به بیرون مرزها می‌رفت، بسیار به قیمت گراف فروخته می‌شد این نشان می‌دهد که این اشخاص ارزش کتابها را نمی‌دانستند. بنابراین من می‌توانم بگویم که تاراج پوهنتون هم جنبه سیاسی داشته و هم جنبه نادانی.

س) چه تعداد (چند درصد) از کتابها و اموال غارت شده دانشگاه کابل بازخرید شده؟

ج) بسیار یک فی صدی کم، مثلاً ما از جمله صدها نسخه خطی تنها در حدود ۷۵-۷۰ نسخه خطی را دوباره توانستیم به کتابخانه برگردانیم در حالی که در کتابخانه دانشگاه قرآن‌های هفت قلم طلایی وجود داشت. نسخه‌های خطی بسیار ناب که در منطقه وجود نداشت.

س) در مورد پوهنتونهای حزبی که در داخل و خارج از کشور به وجود آمده نظر شما چیست؟

ج) در دوران جهاد یک تعداد دانشگاهها در بیرون مرزها تأسیس شد که در آن وقت

تأسیس این (دانشگاهها برای مهاجرین) یک امر ضروری بود. یعنی سه-چهار دانشگاه در پاکستان تأسیس شد. دانشگاه امehات مؤمنین برای دختران. دانشگاه عبداللہ بن مسعود برای پسران. دانشگاه اسلامی برای پسران، دانشگاه دعوتالجہاد برای پسران که در زمان جهاد این دانشگاهها خدمات بسیار خوبی را برای بچه‌های مهاجرین انجام می‌داد و ای کاش تنظیمهایی که در ایران بودند عین کار را انجام می‌دادند. کسانی که از پیشاور می‌آیند به تعداد زیادی فارغ‌التحصیلان دانشگاهها هستند. از این نقطه نظر تنظیمهایی که در پاکستان بود قدمهای بسیار خوبی را برای بچه‌های مهاجرین برداشتند اما تنظیمهایی که در ایران بود کاری نکرده‌اند. فعلًا به این عقیده هستیم که آن دانشگاهها در زمان جهاد وظیفه خود را انجام داد. در شرایط کنونی در این دانشگاهها باید یک فرم صورت بگیرد. این دانشگاهها یا در دانشگاههای داخل مملکت مدغم شود و یا شکل تایپرینیور یستی (پوهنتون شخصی) را بگیرد. در افغانستان ما جمعاً ۱۲ پوهنتون داریم که اکثریت آنها فقط به نام پوهنتون است بودجه دولت را می‌گیرد در حالی که مربوط یک شخص یا تنظیم است.

س) این پوهنتونها را می‌توانید نام ببرید؟

ج) نام بردم مانند: پوهنتون (دعوه‌الجهاد و... دانشگاه بنام اخندرزاده در ننگرهار، دانشگاه طب، پلی‌تکنیک، دانشگاه قندهار، هرات، بلخ، عبداللہ بن مسعود در تخار، امehات اسلامی (مریوط حزب اسلامی) که یک تعداد زیاد از اینها مطابق فرم و استاندارد بین‌المللی تأسیس نشده.

س) به تازگی اعلان شده که در بامیان هم دانشگاهی تأسیس شده، یکی از اضهای هیأت علمی آن متذکر شده که دو دانشکده آن فعال و تدریس می‌شود. آیا این دانشگاه با پوهنتون کابل ارتباطی دارد و آیا مورد تأیید است؟

ج) من نیز تأسیس دانشگاه بامیان را از طریق رادیو شنیدم و به این عقیده‌ام که تأسیس یک دانشگاه در بامیان که دارای نفومن زیاد است. و مناطق مرکزی افغانستان یک ساحه بسیار وسیع جغرافی و اجتماعی است. من از نظر برنسپیپ، تأسیس یک پوهنتون را در بامیان و جاهایی که دارای مرکزیت باشد لازم می‌دانم و این در حالی است که در ننگرهار دو دانشگاه وجود دارد. اما وقتی یک دانشگاه تأسیس می‌شود چند فاکتور باید در نظر

گرفته شود. جای دانشگاه، استادان، وسائل و لابراتوار، تعداد لیسه‌هایی که در منطقه وجود دارد. من از نظر پرنسیپ طرفدار یک پوهنتون بسیار قوی هستم در داخل وزاره‌جات. ولی ما با پوهنتون بامیان کدام ارتباط نداریم. من موقع داشتم که وقتی پوهنتون بامیان تأسیس می‌شود باید از مادعوت می‌شد، مادر بازگشایی آن سهم می‌داشتیم و تجارب علمی را که ما داشتیم در اختیار آنها قرار می‌دادیم. اگر از من به حیث پک استاد سابق‌دار پوهنتون و همچنان تحصیلات اختصاصی علاوه بر این که ماستری و دکترا دارم و در کشورهای مختلف نظام تحصیل را مطالعه کرده‌ام. دعوت می‌کردند و من اشتراک می‌کردم، از مشورتهای ماکار می‌گرفتند حتی ما حاضر بودیم یک قرارداد توأمیت با آنها امضا کنیم و یک تعداد استادهای خود را در سمت اول و دوم برای آنها بفرستیم. من بر این عقیده هستم که پالیسی ریاست دانشگاه کابل این است که ما با افغانها سروکار داریم. فرق نمی‌کند که در کجا زندگی می‌کنند. یا افغانها زیر اثر کدام تنظیم و گروه هستند، بدون شناخت مرزهای سیاسی و جغرافیایی هر کس که از مخواسته باشد حتی قندهار از ما خواسته باشد من حاضر هستم که به آنجا بروم. ولی فعلاً چون من آشنایی زیادی ندارم در موردش چیزی گفته نمی‌توانم که به چه شکل است ولی از نظر پرنسیپ طرفدارش هستم و امیدوار بودم که آنها از مادعوت کنند. چون در تمام افغانستان وقتی پوهنتونها تأسیس می‌شود از رئیس دانشگاه کابل به حیث دانشگاه مادر دعوت می‌کنند. ما با مردم افغانستان سروکار داریم ما با بهجه‌های افغانی سروکار داریم. فرق نمی‌کند تحت تسلط کدام گروه باشند.

س) آیا شما چنین تلاشهایی را لازم می‌بینید یا خیر؟

ج) من اصلاً این عقیده را دارم که نه تنها ارتباط علمی بین نام پوهنتونهای افغانستان برقرار باشد، بلکه ارتباط باید بین تمام پوهنتونهای جهان باشد، چون علم و دانش مرزنشناس است. بر این اساس ما همیشه در نظر داریم که باید روابط علمی و اکادمیک بین همه پوهنتونها حل شود.

س) آیا در گذشته در مقاطع تحصیلات عالی تبعیض نژادی و مذهبی و لسانی وجود داشت؟

ج) بله در افغانستان تبعیضات زیادی وجود داشت، شما می‌توانید این را از فارغ‌التحصیلان بفهمید مثلاً در یک ولايت چندین لیسه و مدرسه است، در یک ولايت

چند پوهنتون است. ما اگر در دانشگاه کابل ترکیب ملتها را در نظر بگیریم، کمترین دانشجو از ملیت هزاره و ازبک است. شما این تعیض را از تعداد دانشمندان افغانستان و در سمت‌های مشاهده کرده می‌توانید و این مخصوصاً نسبت به مردم هزاره بسیار برجسته بوده چنانچه در سابق در مكتب نظام (حربی پوهنجه) شامل شده نمی‌توانستند در بسیاری از وزارت‌خانه‌ها شامل شده‌نمی‌توانستند. ولی برای فعلاً یا وجود ندارد و یا این که به شکل ظاهر دیده نمی‌شود به شکل سری هست. اگر شما تعداد متخصصین و تحصیلکردن‌گان پشتون، تاجیک، ازبک و هزاره را مقایسه کنید، کمترین تعداد متخصص را مردم هزاره دارد.

س) برای از بین رفتن این تعیضها چه توصیه‌ای دارید؟

ج) در ابتدا به وجود آمدن یک حکومت ملی بدون تعصب و تنگ‌نظری، توصیه‌ام این است که در افغانستان یک حکومت ملی که نمایندگی از تمامی مردم افغانستان کرده بتواند یک حکومت روشنفکری باشد. حکومت متجر و قشری و متعصب نباشد. این بهترین راه برای تأمین عدالت اجتماعی و تأمین حقوق‌همه ملیتها است. زیرا حقوق را دولت تعیین می‌کند. دولتی که نمایندگی از مردم افغانستان کرده بتواند دولتی است که متخصص و روشنفکر و دانشمند باشد. اگر حکومت متعصب و تنگ‌نظر باشد همواره تعیضات وجود دارد. یک حکومت تکنورات و روشنفکر خالی از هرگونه تعیضات قومی و مذهبی و سنتی و... تنها راه خروج از این مسئلک است.

س) برای محصلین و دانش‌آموزان که همواره تحت تعیض قرار دارند چه توصیه‌ای دارید؟

ج) اگر یک دولت ملی یک پالیسی مصارف متوازن را در نظر بگیرد. زیرا دولتها همواره پالیسی فرهنگی دارد، این پالیسی فرهنگی متوازن ابتدا باید ارزیابی کند که در ساحه هر قوم و ملیت چند مدرسه وجود دارد چند پوهنتون و تعداد فارغ‌التحصیلان آن چند است نظر به مشخصات هر منطقه باید یک برنامه‌ای خاص روی دست گرفته شود. به طور مثال امروز در مناطق مرکزی طی ۱۴ سال مکاتب تعطیل بوده. بیشترین صدمه را مردم هزاره‌جات دیده. در دیگر نقاط مکاتب بسته نبوده و همواره برای تحصیل به پوهنتون کابل - که من استاد بودم - می‌آمدند ولی از مردم هزاره تنها کسانی که در شهر کابل بودند وارد دانشگاه شدند بسته بودن ۱۴ سال مکتب در این مناطق جبران ناپذیر

است. و در صورتی فقط جبران شدنی است که دولتها یک پروگرام خاص بر این مناطق داشته باشد. علاوه بر آن سهمیه‌ای در تمام دانشگاههای افغانستان برای مناطق پس مانده داده شود (مثل این که در گذشته هم این طور بوده) ضمیمه بر دانشجویان که در امتحان کنکور شرکت می‌کند و قبول می‌شوند. چنانکه در زمان ظاهر شاه و داود و حکومت کمونیستها این سهمیه‌ها برای مناطق محروم افغانستان وجود داشت. وقتی می‌توانیم یک مصارف متوازن را به وجود آوریم که این مناطق که از نظر مصارف در این سطح قرار دارد رشدش را سرعت بخشمیم. در غیر این صورت هیچگاه این فاصله از بین نمی‌رود.

س) در پایان اگر توصیه و پیام به مهاجرین و محصلین خارج از کشور داشته باشید بیان کنید؟

ج) پیام من به تمام استادان افغانی مقیم ایران و همچنین دانشجویان این است که استادان به پرهنوبهای داخل برگردند. دانشجویان تا می‌توانند به تحصیل ادامه بدهند. تا در آینده با در نظر داشت تحصیستان خدمت انجام دهند. سلام مرا به مهاجرین بر سانید.



پروشکاد علوم انسانی و مطالعات فرنگی

رشال حکم علوم انسانی